

استاندارد حسابرسی ۳۲۰
اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی
 (تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

فهرست مندرجات

بند	کلیات
۱	دامنه کاربرد
۲-۵	اهمیت در حسابرسی
۶	تاریخ اجرا
۷	هدف
۸	تعریف
	الزامات
۹-۱۰	تعیین سطح اهمیت و اهمیت در اجرا هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی
۱۱-۱۲	تجدید نظر در سطح اهمیت با پیشرفت کار حسابرسی
۱۳	مستندسازی
	توضیحات کاربردی
ت-۱	اهمیت و خطر حسابرسی
ت-۲ تا ت-۱۲	تعیین سطح اهمیت و اهمیت در اجرا هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی
ت-۱۳	تجدید نظر در سطح اهمیت با پیشرفت کار حسابرسی

این استاندارد باید همراه با استاندارد حسابرسی ۲۰۰ "اهداف کلی حسابرس مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی" مطالعه شود.

استاندارد حسابرسی ۳۲۰

اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی

(تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

کلیات

دامنه کاربرد

۱. این استاندارد، به موضوع مسئولیت حسابرسان در زمینه بکارگیری مفهوم اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی صورت‌های مالی می‌پردازد. در استاندارد ۴۵۰^۱، نحوه بکارگیری مفهوم اهمیت در ارزیابی اثر تحریف‌های شناسایی شده بر حسابرسی و اثر تحریف‌های اصلاح نشده (در صورت وجود) بر صورت‌های مالی تشریح شده است.

اهمیت در حسابرسی

۲. در استانداردهای حسابداری، مفهوم اهمیت در زمینه تهیه و ارائه صورت‌های مالی مورد بحث قرار گرفته است. در این استانداردها، مفهوم اهمیت در قالب موارد زیر تشریح شده است:

- تحریف‌ها، شامل اطلاعات گزارش نشده، زمانی با اهمیت تلقی می‌شود که بطور منطقی انتظار رود به تنهایی یا در مجموع، بتواند بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان که بر مبنای صورت‌های مالی اتخاذ می‌شود، اثر بگذارد،
- قضاوت در مورد اهمیت با توجه به شرایط موجود انجام می‌شود و تحت تأثیر اندازه یا ماهیت یک تحریف یا هر دو قرار می‌گیرد، و
- قضاوت درباره موضوعات با اهمیت از دیدگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، با توجه به نیازهای اطلاعاتی مشترک استفاده‌کنندگان به عنوان یک گروه، شکل می‌گیرد. اثر احتمالی تحریف‌ها بر تصمیمات استفاده‌کنندگان خاص، که ممکن است نیازهای اطلاعاتی بسیار متفاوتی داشته باشند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

ویژگی‌های یاد شده مبنای مناسبی را برای تعیین سطح اهمیت توسط حسابرسان فراهم می‌کند.

۳. تعیین سطح اهمیت توسط حسابرسان مستلزم قضاوت حرفه‌ای است و خود تحت تأثیر برداشت حسابرسان از نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار دارد. لذا منطقی است که حسابرسان فرض کنند این استفاده‌کنندگان:

الف - در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و همچنین حسابداری شناخت مناسبی دارند و مایلند اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را با دقت لازم مطالعه کنند.

- ب - درک می‌کنند که صورت‌های مالی با توجه به سطوح اهمیت، تهیه، ارائه و حسابرسی شده است.
- پ - از ابهامات ذاتی اندازه‌گیری مبالغی که بر مبنای برآورد، قضاوت و در نظر گرفتن رویدادهای آتی تعیین می‌شود، آگاهی دارند.
- ت - بر مبنای اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، تصمیمات اقتصادی منطقی اتخاذ می‌کنند.
۴. مفهوم اهمیت توسط حسابرسان علاوه بر آنکه در هر دو مرحله برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی بکار گرفته می‌شود، در ارزیابی اثر تحریف‌های شناسایی شده بر حسابرسی و اثر تحریف‌های اصلاح نشده (در صورت وجود) بر صورت‌های مالی و همچنین در تعیین نوع اظهار نظر در گزارش حسابرسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. (رک: بند ت-۱)
۵. حسابرسان در برنامه‌ریزی حسابرسی، درباره اندازه تحریف‌هایی که با اهمیت تلقی می‌شود قضاوت می‌کند. چنین قضاوتی، مبنایی را برای موارد زیر فراهم می‌آورد:

- الف - تعیین ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان روش‌های ارزیابی خطر،
- ب - تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت، و
- پ - تعیین ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان روش‌های حسابرسی لازم.
- سطح اهمیت تعیین شده در برنامه‌ریزی حسابرسی ضرورتاً به این معنا نیست که اگر تحریف‌های اصلاح نشده (به تنهایی یا در مجموع) از آن سطح کمتر باشد همواره بی‌اهمیت تلقی خواهد شد. شرایط برخی از این تحریف‌ها ممکن است باعث شود حسابرسان آنها را با اهمیت تلقی کند، هرچند که مبلغ آنها کمتر از سطح اهمیت تعیین شده باشد. اگرچه، طراحی روش‌های حسابرسی برای کشف تحریف‌هایی که صرفاً به دلیل ماهیتشان با اهمیت هستند، غیر عملی است، با این حال، حسابرسان نه تنها اندازه بلکه ماهیت تحریف‌های اصلاح نشده و شرایط خاص پدید آمدن آنها را هنگام ارزیابی آثارشان بر صورت‌های مالی مورد توجه قرار می‌دهد.^۲

۱. استاندارد حسابرسی ۴۵۰، "ارزیابی تحریف‌های شناسایی شده در حسابرسی"

۲. استاندارد حسابرسی ۴۵۰، بند ت-۱۶

استاندارد حسابرسی ۳۲۰

اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی

(تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

تاریخ اجرا

۶. این استاندارد برای حسابرسی صورتهای مالی که دوره مالی آنها از اول فروردین ۱۳۹۲ و پس از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

هدف

۷. هدف حسابرس، بکارگیری صحیح مفهوم اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی است.

تعریف

۸. از لحاظ مقاصد استانداردهای حسابرسی، اهمیت در اجرا به معنی مبلغ یا مبالغی است که توسط حسابرس کمتر از سطح اهمیت تعیین شده برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، تعیین می‌شود تا بدین ترتیب احتمال فزونی مجموع تحریفهای کشف نشده و اصلاح نشده از سطح اهمیت تعیین شده برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد به سطح پایین و مناسبی کاهش یابد. در موارد مقتضی، اهمیت در اجرا، به مبلغ یا مبالغی کمتر از سطح یا سطوح اهمیت تعیین شده توسط حسابرس برای گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص نیز اطلاق می‌شود.

الزامات

تعیین سطح اهمیت و اهمیت در اجرا هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی

۹. حسابرس هنگام تدوین طرح کلی حسابرسی باید سطح اهمیت را برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد تعیین کند. اگر در شرایط خاص واحد تجاری، یک یا چند گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاصی وجود داشته باشد که در صورت تحریف آنها به مبالغی کمتر از سطح اهمیت تعیین شده برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، به طور منطقی انتظار رود که تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان صورتهای مالی را تحت تأثیر قرار دهد، حسابرس باید سطح یا سطوح اهمیت مورد استفاده برای آن گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص را تعیین کند (رک: بندهای ت-۲ تا ت-۱۱).

۱۰. حسابرس باید اهمیت در اجرا را با هدف ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت و تعیین ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی لازم، تعیین کند (رک: بند ت-۱۲).

تجدید نظر در سطح اهمیت با پیشرفت کار حسابرسی

۱۱. چنانچه حسابرس با پیشرفت کار حسابرسی به اطلاعاتی دست یابد که در صورت آگاهی از آن در زمان شروع حسابرسی، سطح اهمیت متفاوتی را تعیین می‌کرد، لازم است در سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد بازنگری کند (در موارد مقتضی لازم است سطح یا سطوح اهمیت مربوط به گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص نیز بازنگری شود). (رک: بند ت-۱۳)

۱۲. چنانچه حسابرس هنگام اجرای عملیات حسابرسی به این نتیجه برسد که لازم است سطح اهمیت پایین‌تری را برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد نسبت به سطح اهمیت تعیین شده اولیه در نظر گیرد (و یا در مورد سطح یا سطوح اهمیت مربوط به گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص نیز به چنین نتیجه‌ای دست یابد)، وی باید علاوه بر تعیین ضرورت بازنگری در سطح اهمیت در اجرا، مناسب بودن ماهیت، زمانبندی و میزان روشهای حسابرسی را بررسی کند.

مستندسازی

۱۳. حسابرس باید مستندات حسابرسی مربوط به مبالغ زیر و عوامل در نظر گرفته شده در تعیین آنها را گردآوری نماید:

الف - سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد (رک: بند ۹)،

ب - در صورت ضرورت، سطح یا سطوح اهمیت برای گروه معاملات، مانده حسابها و موارد افشای خاص (رک: بند ۹)،

پ - سطح اهمیت در اجرا (رک: بند ۱۰)، و

ت - هرگونه تجدید نظر در سطوح اهمیت مطرح شده در بندهای "الف" تا "پ" با پیشرفت کار حسابرسی (رک: بندهای ۱۱ و ۱۲).

استاندارد حسابرسی ۳۲۰

اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی

(تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

توضیحات کاربردی

اهمیت و خطر حسابرسی (رک: بند ۴)

ت-۱. در حسابرسی صورتهای مالی، هدف کلی حسابرس عبارت است از کسب اطمینان معقول درباره این موضوع که آیا صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد عاری از تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه است یا خیر. دستیابی به این هدف حسابرس را قادر می‌سازد تا براساس استانداردهای حسابرسی درباره اینکه آیا صورتهای مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری تهیه شده است یا خیر، اظهار نظر کند و با توجه به یافته‌های خود، نسبت به تهیه و ارائه گزارش در مورد صورتهای مالی اقدام نماید.^۱ حسابرس با جمع‌آوری شواهد کافی و مناسب برای کاهش خطر حسابرسی به سطحی پایین و قابل پذیرش، اطمینان معقول کسب می‌کند.^۲ خطر حسابرسی بدان معنی است که حسابرس در شرایطی که صورتهای مالی حاوی تحریف با اهمیت است اظهار نظر نامناسب ارائه کند. خطر حسابرسی، تابعی از خطرهای تحریف با اهمیت و خطر عدم کشف است.^۳ اهمیت و خطر حسابرسی در تمام مراحل حسابرسی به خصوص در مراحل زیر، مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف - تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت^۴،

ب - تعیین ماهیت، زمانبندی اجرا و میزان روشهای حسابرسی لازم^۵، و

پ - ارزیابی اثر تحریفهای اصلاح نشده (در صورت وجود) بر صورتهای مالی^۶ و بر اظهار نظر در گزارش حسابرس^۷.

تعیین سطح اهمیت و اهمیت در اجرا هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی

ملاحظات خاص واحدهای بخش عمومی (رک: بند ۹)

ت-۲. مراجع قانون‌گذاری و دستگاههای نظارتی اغلب از جمله استفاده‌کنندگان اصلی صورتهای مالی واحدهای بخش عمومی بشمار می‌روند. علاوه بر این، صورتهای مالی ممکن است برای اتخاذ تصمیماتی غیر از تصمیمات اقتصادی نیز مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، تعیین سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد (و در صورت لزوم، سطح یا سطوح اهمیت برای گروه معاملات، مانده حسابها و موارد افشای خاص) در حسابرسی صورتهای مالی یک واحد بخش عمومی، تحت تأثیر الزامات قانونی، مقرراتی و یا سایر الزامات و نیازهای اطلاعات مالی مراجع قانون‌گذاری و عموم مردم در رابطه با برنامه‌های بخش عمومی، قرار می‌گیرد.

بکارگیری معیارهای مشخص به منظور تعیین سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد (رک: بند ۹)

ت-۳. تعیین سطح اهمیت مستلزم اعمال قضاوت حرفه‌ای است. اغلب درصد معینی از یک معیار به عنوان نقطه شروع در تعیین سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، در نظر گرفته می‌شود. عواملی که ممکن است انتخاب یک معیار مناسب برای این منظور را تحت تأثیر قرار دهد عبارت است از:

- اجزای صورتهای مالی (مانند داراییها، بدهیها، حقوق صاحبان سرمایه، درآمدها و هزینه‌ها)،
- اقلامی که مورد توجه ویژه استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی یک واحد تجاری قرار دارد (به عنوان مثال، استفاده‌کنندگان ممکن است برای ارزیابی عملکرد مالی، بر میزان سود، درآمد یا خالص داراییها تمرکز نمایند)،
- ماهیت واحد تجاری، موقعیت آن در چرخه عمر، نوع صنعت و محیط اقتصادی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند،

۱. استاندارد حسابرسی ۲۰۰، "اهداف کلی حسابرس مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی (تجدید نظر شده ۱۳۹۱)"، بند ۱۱

۲. استاندارد حسابرسی ۲۰۰، بند ۱۷

۳. استاندارد حسابرسی ۲۰۰، بند ۱۳ - خ

۴. استاندارد حسابرسی ۳۱۵، "تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت از طریق شناخت واحد تجاری و محیط آن (تجدید نظر شده ۱۳۹۳)"

۵. استاندارد حسابرسی ۳۳۰، "برخوردهای حسابرس با خطرهای ارزیابی شده (تجدید نظر شده ۱۳۹۳)"

۶. استاندارد حسابرسی ۴۵۰

۷. استاندارد حسابرسی ۷۰۰، "گزارشگری نسبت به صورتهای مالی (تجدید نظر شده ۱۳۸۹)"

استاندارد حسابرسی ۳۲۰

اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی

(تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

- ساختار مالکیت واحد تجاری و روشهای مورد استفاده برای تأمین مالی (به عنوان مثال، چنانچه واحد تجاری صرفاً از طریق استقراض تأمین مالی نماید و نه از طریق افزایش سرمایه، در این صورت استفاده کنندگان صورتهای مالی ممکن است به داراییها و ادعاهای نسبت به آنها بیشتر از میزان سود توجه داشته باشند)، و

- نوسان نسبی معیار مورد نظر.

ت-۴. نمونه معیارهایی که با توجه به شرایط واحد تجاری می‌تواند مناسب باشد، شامل اقلام صورت سود و زیان از قبیل سود قبل از مالیات، جمع درآمدها، سود ناخالص، جمع هزینه‌ها و یا جمع حقوق صاحبان سرمایه یا خالص داراییها است. در واحدهای تجاری انتفاعی اغلب سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم به عنوان معیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی که سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم نوسان زیادی داشته باشد استفاده از معیارهای دیگری همچون سود ناخالص یا جمع درآمدها ممکن است مناسب‌تر باشد.

ت-۵. در رابطه با معیار انتخاب شده، داده‌های مالی مورد استفاده معمولاً شامل عملکرد مالی و وضعیت مالی مربوط به دوره‌های گذشته، آخرین عملکرد مالی و وضعیت مالی مربوط به دوره مورد رسیدگی، بودجه‌ها یا پیش‌بینی‌های انجام شده برای دوره مورد رسیدگی و همچنین تعدیلات انجام شده بابت تغییرات بااهمیت در محیط واحد تجاری (به عنوان مثال، تحصیل یک واحد تجاری عمده) و شرایط صنعت یا محیط اقتصادی محل فعالیت واحد تجاری می‌باشند. برای مثال، به عنوان یک نقطه شروع، در صورتی که سطح اهمیت برای صورتهای مالی یک واحد تجاری خاص بر حسب درصدی از سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم تعیین می‌شود، ایجاد شرایطی که منجر به افزایش یا کاهش غیرمنتظره این سود می‌شود ممکن است حسابرس را متقاعد سازد که به منظور تعیین سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، استفاده از مبلغ تعدیل شده سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم بر مبنای نتایج گذشته مناسب‌تر است.

ت-۶. سطح اهمیت، به صورتهای مالی که حسابرس نسبت به آن گزارش ارائه می‌دهد، مربوط می‌شود. چنانچه صورتهای مالی برای دوره گزارشگری مالی بیشتر یا کمتر از ۱۲ ماه تهیه شود (برای مثال در مواردی که یک واحد تجاری جدید تأسیس می‌شود یا واحد تجاری سال مالی خود را تغییر می‌دهد)، سطح اهمیت، برای صورتهای مالی تهیه شده برای آن دوره مالی تعیین می‌شود.

ت-۷. تعیین درصدی از یک معیار انتخابی مستلزم اعمال قضاوت حرفه‌ای است. بین درصد تعیین شده و معیار انتخابی، رابطه‌ای وجود دارد بدین ترتیب که درصد بکار رفته برای سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم معمولاً از درصد بکار رفته برای جمع درآمدها بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال، حسابرس ممکن است پنج درصد سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم را برای یک شرکت تولیدی مناسب بداند در حالی که ممکن است یک درصد جمع درآمدها یا جمع هزینه‌ها را برای یک واحد غیرانتفاعی مناسب تشخیص دهد. با این وجود، با توجه به شرایط موجود، ممکن است بکارگیری درصدهای بالاتر یا پایین‌تر مناسب باشد.

ملاحظات خاص واحدهای تجاری کوچک

ت-۸. در شرایطی که سود قبل از مالیات ناشی از عملیات در حال تداوم یک واحد تجاری همواره با سود حقیقی آن تفاوت داشته باشد (به عنوان مثال، در مواردی که یک مدیر-مالک، بخش عمده‌ای از سود قبل از مالیات را به صورت حقوق و مزایا برداشت نماید) معیار دیگری (مانند سود قبل از حقوق و مزایا و مالیات) می‌تواند مناسب‌تر باشد.

ملاحظات خاص واحدهای بخش عمومی

ت-۹. در حسابرسی واحدهای بخش عمومی، جمع هزینه‌ها یا خالص هزینه‌ها (هزینه‌ها منهای درآمدها یا مخارج منهای دریافتها) ممکن است معیار مناسبی برای ارزیابی فعالیت‌های یک برنامه باشد. در مواردی که واحد بخش عمومی مسئولیت حفاظت از داراییهای عمومی را بر عهده دارد، ممکن است داراییها معیار مناسبی برای تعیین سطح اهمیت باشد.

استاندارد حسابرسی ۳۲۰

اهمیت در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات حسابرسی

(تجدید نظر شده ۱۳۹۲)

سطح یا سطوح اهمیت برای گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص (رک: بند ۹)

ت-۱۰. در برخی موارد ممکن است گروههای معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاصی وجود داشته باشد که انتظار رود تحریفهای کمتر از سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد در آنها، بر تصمیمات استفاده کنندگان صورتهای مالی مؤثر باشد. عواملی که می‌تواند به تشخیص این موارد کمک کند به شرح زیر است:

- قوانین، مقررات یا چارچوب گزارشگری مالی مؤثر بر انتظارات استفاده کنندگان در زمینه اندازه‌گیری یا افشای اقلام خاص (به عنوان مثال، معاملات با اشخاص وابسته، و حقوق و مزایای مدیران اجرایی و ارکان راهبری واحد تجاری).
- موارد افشای اصلی با توجه به صنعتی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند (مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه در یک شرکت دارویی).
- اینکه آیا به جنبه‌های خاصی از فعالیت واحد تجاری که به طور جداگانه در صورتهای مالی افشا شده است توجه خاصی می‌شود یا خیر (مانند یک واحد تجاری تازه تحصیل شده).

ت-۱۱. حسابرس به منظور ارزیابی وجود گروههای معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای واجد خصوصیات بند ت-۱۰، با توجه به شرایط خاص واحد تجاری ممکن است کسب اطلاع از دیدگاهها و انتظارات ارکان راهبری و مدیریت واحد تجاری را مفید تشخیص دهد.

اهمیت در اجرا (رک: بند ۱۰)

ت-۱۲. برنامه‌ریزی حسابرسی صرفاً با هدف کشف تحریفهایی که به تنهایی با اهمیت هستند، به منزله نادیده گرفتن این واقعیت است که مجموع تحریفهای به تنهایی بی‌اهمیت، ممکن است منجر به تحریف با اهمیت صورتهای مالی شود و علاوه بر آن حاشیه اطمینانی برای تحریفهای احتمالی کشف نشده در نظر گرفته نمی‌شود. اهمیت در اجرا (که طبق تعریف می‌تواند یک یا چند مبلغ باشد) بدین منظور تعیین می‌شود که احتمال فزونی مجموع تحریفهای کشف نشده و اصلاح نشده در صورتهای مالی نسبت به سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد را به سطح پایین و مناسبی کاهش دهد. به همین ترتیب، اهمیت در اجرا در رابطه با سطح اهمیت تعیین شده برای گروههای معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص بدین منظور تعیین می‌شود که احتمال فزونی مجموع تحریفهای کشف نشده و اصلاح نشده در آنها نسبت به سطح اهمیت تعیین شده برای آن گروه معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص به سطح پایین و مناسبی کاهش یابد. تعیین اهمیت در اجرا یک محاسبه مکانیکی ساده نیست و مستلزم اعمال قضاوت حرفه‌ای است. اهمیت در اجرا تحت تأثیر شناخت حسابرس از واحد تجاری (که طی اجرای روشهای ارزیابی خطر به‌روز می‌شود) و ماهیت و میزان تحریفهای شناسایی شده در حسابرسی‌های قبلی و در نتیجه انتظارات حسابرس در رابطه با تحریفهای موجود در دوره جاری، قرار می‌گیرد.

تجدید نظر در سطح اهمیت با پیشرفت کار حسابرسی (رک: بند ۱۱)

ت-۱۳. سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد (و در صورت لزوم، سطح یا سطوح اهمیت برای گروههای معاملات، مانده حسابها یا موارد افشای خاص) ممکن است به دلیل تغییر در شرایط، که در جریان حسابرسی اتفاق می‌افتد (برای مثال، تصمیم به توقف بخش عمده‌ای از فعالیت واحد تجاری)، کسب اطلاعات جدید و یا تغییر در شناخت حسابرس از واحد تجاری و عملیات آن که خود در نتیجه اجرای روشهای حسابرسی حاصل شده است، نیاز به تجدید نظر داشته باشد. به عنوان مثال، اگر با پیشرفت کار حسابرسی انتظار رود نتایج مالی واقعی با نتایج مالی پیش‌بینی شده برای پایان دوره (که در ابتدا برای تعیین سطح اهمیت برای صورتهای مالی به عنوان یک مجموعه واحد، مورد استفاده قرار گرفته است) تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، لازم است حسابرس در سطح اهمیت تجدید نظر نماید.